

فعالیت‌های علمی و فکری امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام هرچند از نظر سیاسی در محدودیتی بسیار شدید به سر می‌برد و فعالیت سیاسی برای وی مقدور نبود، اما از نظر علمی و پاسداری از مرزهای عقیده و ایمان امت اسلامی گام‌های بزرگی برداشت. مبارزه آن حضرت با فرقه‌های مختلف گمراه مانند گروه مجسمه، غالیان، صوفیان و... از نمونه‌های بارز جهاد علمی و عقیدتی آن حضرت بود. در این مقاله مروری بر فعالیت‌های امام هادی علیه السلام در این زمینه داریم.

حرکت و موضع‌گیری دیگر غیر از آن ممکن بود که ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکر اسلام وارد سازد. گرچه زندگی آن بزرگوار به مدت هیجده سال تحت نظارت و مراقبت شدید مزدوران حکومت عباسی قرار گرفت ولی با این وجود هرگز از هدایت امت اسلامی به‌ویژه شیعیان دست

گرچه بر فضای فرهنگی و سیاسی دوران امامت دهمین ستارهٔ فروزان آسمان امامت و ولایت - حضرت امام علی الثقی علیه السلام - خفقان شدید و فشار بیش از حد حاکم بود، اما خط‌مشی آن حضرت نشان می‌دهد که موضع‌گیریش در برابر معضلات جامعه معقول‌ترین و پسندیده‌ترین روش بود و هرگونه

برنداشت و نقش خود را به بهترین وجه ایفا نمود. می‌داشت.

امام هادی علیه السلام به سان دیگر امامان معصوم با در نظر گرفتن شرایط زمان، مسؤولیت امامت را بر عهده گرفت و در ارائه یک الگوی کامل مبنی بر تعالیم اسلام توفیق یافت که در این نوشتار به خطوط برجسته آن به عنوان شاخص‌های آموزنده و سازنده اشاره می‌شود.

گروه مجسمه: دهمین فروغ امامت در برابر فرقه‌هایی که در آن دوران وجود داشت، شیعیان را راهنمایی می‌کرد. یکی از این فرقه‌ها «گروه مجسمه» بود. اعضای این گروه تصور می‌کردند که خداوند جسم است. آنان برداشت‌هایی بسیار سطحی و ابتدایی از دین داشتند و از درک مجردات و چیزهایی که از سیطره جسم و ماده بیرون بود، بسیار

برخورد با فرقه‌های منحرف

در دوران امامت امام هادی علیه السلام بعضی از انحرافات عقیدتی مطرح بود که ریشه در دوران‌های قبل داشت ولی آن بزرگوار به مناسبت‌هایی، با این انحرافات برخورد

گرچه بر فضای فرهنگی و سیاسی دوران امامت دهمین ستاره فروزان آسمان امامت و ولایت - حضرت امام علی النقی علیه السلام - خفقان شدید و فشار بیش از حد حاکم بود، اما خط‌مشی آن حضرت نشان می‌دهد که موضع‌گیری در برابر معضلات جامعه معقول‌ترین و پس‌فندیده‌ترین روش بود و هرگونه حرکت و موضع‌گیری دیگر غیر از آن ممکن بود که ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکر اسلام وارد سازد.

می‌کرد و با اعلام موضع خویش نظر حق و درست را بیان می‌نمود و مردم را از باورهای ناصحیح و غلط باز ناتوان بودند. از این رو بسیاری از حقایق هستی را که خارج از گستره مادیات بود، انکار می‌کردند.

چیزی مانند او نیست و او شنوا و داناست.

غالیان: از دیگر مشکلات فرهنگی جامعه اسلامی در دوران امامت امام هادی علیه السلام، وجود غالیان کج اندیش بود. آنان از زبان ائمه اطهار علیهم السلام سخنان ناروا و مخالف با آیات صریح قرآن در میان مردم منتشر می کردند و در مورد معصومین افراط می کردند؛ به طوری که آن بزرگواران را تا حد مقام خداوند بالا می بردند و بسیاری از افراد را با این افکار باطل به گمراهی می کشاندند.

پیشوای دهم شیعیان با گفتار حکیمانه و نامه های روشن گرانه خود مرز افراط و تفریط را مشخص می نمود و دستداران واقعی اهل بیت را از تمایل به سوی اندیشه های نادرست کج اندیشانی مانند: علی بن حَسَكَةُ قمی، قاسم یقطینی، محمد بن ثَمیرِی، فارس بن حاتم قزوینی و... برحذر

«صقر ابن ابی دَلْف» از امام هادی علیه السلام در مورد توحید سؤال کرد. آن حضرت فرمود: إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جِسْمٌ وَ نَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. یا بِنَ ابی دَلْفِ إِنَّ الْجِسْمَ مُخَدَّتٌ وَاللَّهُ مُخَدِّثُهُ وَ مُجَسِّمُهُ^(۱): از ما نیست کسی که گمان می کند که خداوند جسم است و ما در دنیا و آخرت از او بیزار هستیم. ای پسر ابی دلف! جسم، حادث است و خداوند آن را به وجود آورده و به آن شکل داده است. و نیز سهل بن زیاد از ابراهیم بن محمد همدانی نقل می کند که به امام علی علیه السلام چنین نوشتم که دوستان شما در این شهر در توحید اختلاف دارند. بعضی می گویند خداوند جسم است و بعضی دیگر می گویند او صورت است. حضرت در جواب به خط خود نوشت: سَبْحَانَ مَنْ لَا يُحَدُّ وَ لَا يُوصَفُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^(۲): منزه است آن که محدود نشود و به وصف در نیاید.

۱. اختیار معرفة الرجال طوسی، ص ۱۰۴.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۵۶.

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جمع می‌شدند و با گفتن اذکار و اوراد مخصوص، عوام‌فریبی می‌کردند. امام هادی علیه السلام با واکنش سریع، توطئه آنان را خنثی می‌کرد.

محمد ابن ابی خطاب می‌گوید: به همراه جمعی از یاران امام دهم علیه السلام در مسجد مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم. ناگهان گروهی از صوفیان وارد مسجد شدند و به گرد هم حلقه زدند و به گفتن «لا اله الا الله» مشغول شدند. امام

می‌داشت و با شیوه‌های مختلف با این افراد برخورد می‌کرد^(۱).

برای نمونه، فارس بن حاتم قزوینی نماینده امام هادی بود اما کم‌کم از خط دین خارج شد و با اظهار عقاید کفرآمیز مردم را از مسیر راه حق منحرف می‌کرد. وی مسئول جمع‌آوری اموال و وجوه شرعی بود ولی بر خلاف مصالح دین و خواسته امام علیه السلام در آن تصرف می‌کرد. وی در پیمودن راه باطل و ایجاد فتنه و تفرقه در میان شیعیان آن‌چنان

افراط کرد که حکم ارتداد و کفر وی از سوی امام هادی علیه السلام صادر گردید^(۲).

صوفیان: از دیگر گروه‌های منحرفی که در جامعه اسلامی باعث بدنامی شیعیان شده بودند، پیروان مکتب تصوف بودند. این گروه با نشان دادن چهره‌ای زاهد و عارف از خود، مردم را گمراه می‌کردند. آنان در اماکن مقدسی چون مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جمع می‌شدند و با گفتن اذکار و اوراد مخصوص، عوام‌فریبی می‌کردند. امام هادی علیه السلام با واکنش سریع، توطئه آنان را خنثی می‌کرد.

افراط کرد که حکم ارتداد و کفر وی از سوی امام هادی علیه السلام صادر گردید^(۲).

صوفیان: از دیگر گروه‌های منحرفی که در جامعه اسلامی باعث بدنامی شیعیان شده بودند، پیروان مکتب تصوف بودند. این گروه با نشان دادن چهره‌ای زاهد و عارف از خود، مردم را گمراه می‌کردند. آنان در اماکن مقدسی چون

صوفیان: از دیگر گروه‌های منحرفی که در جامعه اسلامی باعث بدنامی شیعیان شده بودند، پیروان مکتب تصوف بودند. این گروه با نشان دادن چهره‌ای زاهد و عارف از خود، مردم را گمراه می‌کردند. آنان در اماکن مقدسی چون مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جمع می‌شدند و با گفتن اذکار و اوراد مخصوص، عوام‌فریبی می‌کردند. امام هادی علیه السلام با واکنش سریع، توطئه آنان را خنثی می‌کرد.

۱. حیات الامام علی الهادی، باقر شریف قریشی، ص ۴۶۸.
۲. نک: بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۰۵.

کنند (۱).

خرافه‌زدایی

از مهم‌ترین وظایف خطیر امامان معصوم پاسداری از حریم اعتقادات و ارزش‌های راستین و اصیل اسلامی است. آنان به عنوان نگهبانان قرآن و سنت با تحریف‌ها و بدعت‌هایی که فرهنگ ناب اسلامی را خدشه‌دار می‌کرد سخت مقابله می‌کردند و برای تحقق چنین هدف الهی از جان و زندگی خویش مایه می‌گذاشتند.

دوران امامت امام هادی علیه السلام مخصوصاً روزگار خلافت متوکل عباسی از دوران‌های سیاه و ظلمانی تاریخ اسلام قلمداد می‌شود. در این دوره رهبری جامعهٔ مسلمین در دست افراد متحجر بود که با آزاداندیشی و نقد و نظر مبارزه می‌کردند. مخالفت مستقیم متوکل با معتزله و شیعه، در

هادی علیه السلام به ما رو کرد و فرمود: به این دغل‌بازان ریاکار توجه نکنید. آنان با شیطان‌ها هم‌پیمان هستند و برای آسایش جسم، از خود زهد و پارسایی نشان می‌دهند و شب‌زنده‌داری آنان برای به دست آوردن غذاهای چرب و شیرین است. سپس امام علیه السلام ادامه داد: کسی که به دیدار زنده و مردهٔ آنان برود، به دیدار شیطان و بت‌پرستان رفته است. وقتی سخن آن بزرگوار به این‌جا رسید، یکی از شیعیان گفت: اگر کسی به امامت و حقوق شما معتقد و معترف باشد آیا باز هم اشکال دارد که به دیدار آنان برود؟ امام هادی علیه السلام خشمگین به او نگریست و فرمود: این تصورات نادرست را رها کن. کسی که امامت ما را پذیرفته باشد، برخلاف روش و رضایت ما گام بر نمی‌دارد. آیا نمی‌دانی که همهٔ صوفیان از مخالفان ما هستند و برنامه و روش آنان با برنامه و روش ما مغایرت دارد. این‌گونه افراد یقیناً یهودیان و مسیحیان این امت هستند که می‌خواهند نور خدا را خاموش

۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص

حسن بن مسعود می‌گوید: روزی خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام رسیدم درحالی که آن روز انگشتم زخم شده بود و لباس‌هایم در برخورد با یک سواره، پاره شده بود، گفتم امروز چه روز نحسی است! امام علیه السلام فرمود: چرا گناه خود را برگردن دیگری می‌نهی که گناهی ندارد؟ حسن گفت: دانستم که اشتباه کردم. گفتم: ای سرورم! از خدا طلب آمرزش می‌کنم. امام علیه السلام فرمود: ای حسن! آیا نمی‌دانی

واقع مبارزه با خردگرایی بود؛ زیرا این دو گروه به نقد احادیث و روایات می‌پرداختند و هر چیز را بدون چون و چرا نمی‌پذیرفتند. از پیامدهای این تفکر متحجرانه، خشونت، تفرقه‌افکنی، رواج ظاهرگرایی، گسترش خرافه و روایات جعلی به نام پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه او بود. بازار فال‌گیران، شعبده‌بازان و قصه‌سرایان در این دوره گرم شد. قصه‌پردازان با نقل روایت‌های مجعول و برگرفته از تورات تحریف شده، مردم را سرگرم می‌کردند.

از موضوعات رایج در این دوره، عقیده به شانس و یا نحس شمردن برخی از مکان‌ها، زمان‌ها و اشیا بود. این پدیده، ریشه در عقاید دوران جاهلیت پیش از اسلام داشت. امام هادی علیه السلام این تفکر را شرک و گناه می‌شمرد و معتقد بود که هر کسی دنباله‌رو این ایده باشد باید توبه کند.

از موضوعات رایج در این دوره، عقیده به شانس و یا نحس شمردن برخی از مکان‌ها، زمان‌ها و اشیا بود. این پدیده، ریشه در عقاید دوران جاهلیت پیش

که پاداش‌دهنده، کیفردهنده و سزادهنده در دنیا و آخرت فقط خداست؟! عرض کردم: چرا می‌دانم! امام علیه السلام فرمود: پس هرگز بر خلاف این

از اسلام داشت. امام هادی علیه السلام این تفکر را شرک و گناه می‌شمرد و معتقد بود که هر کسی دنباله‌رو این ایده باشد باید توبه کند.

اعتقاد و یقین رفتار نکن و برای روزها شأن و اثری در حکم خداوند قائل مشو^(۱).

ارتباط مخفیانه با پیروان

امام هادی علیه السلام هیجده سال در سامرا تحت نظارت و مراقبت شدید مزدوران حکومت عباسی قرار گرفت؛ ولی با وجود این کنترل شدید، هرگز دست از هدایت امت اسلامی برنداشت و نقش هدایت را به نحو احسن ایفا نمود. امام علی النقی علیه السلام به سبب محصور بودن، نمی توانست آزادانه با مردم ملاقات کند و گاهی این محاصره و کنترل آن قدر شدید بود که آن حضرت نمی توانست کسی را به حضور بپذیرد. در این گونه موارد امام علیه السلام از درون زندان با برخی از افراد تماس می گرفت و از خطری که در آینده نزدیک مردم را تهدید می کرد باخبر می ساخت^(۲).

محمد بن شرف می گوید: همراه امام هادی علیه السلام در مدینه راه می رفتیم.

امام علیه السلام فرمود: تو پسر شرف نیستی؟ عرض کردم: آری! آن گاه خواستم از حضرت پرسش کنم. امام علیه السلام بر من پیشی گرفت و فرمود: ما در حال گذر از راه اصلی هستیم و این محل برای طرح سؤال مناسب نیست^(۳). این مطلب خفقان حاکم بر جامعه اسلامی را نشان می دهد و میزان پنهان کاری اجباری امام علیه السلام را به خوبی روشن می سازد. آن امام همام علیه السلام در برقراری ارتباط با شیعیان که در شهرها و مناطق گوناگون سکونت داشتند، ناگزیر همین روش را رعایت می کرد و وجوه، هدایا و نذورات را مخفیانه از آنان دریافت می کرد؛ چنان که محمد بن داود قمی و محمد طلحی مقدار زیادی خمس و هدایا از شهر مقدس قم برای امام هادی علیه السلام می بردند. نزدیک شهر سامرا امام علیه السلام با فرستادن نماینده خود آنان را برگرداند تا از طرف متوکل آسیبی به

۱. تحف العقول، ابن شعبة حرّانی، ص ۳۵۷.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۶۵.

آن‌ها نرسد^(۱).

تعیین وکلا

شیعیان در طول تاریخ همیشه با مشکلات و معضلات سیاسی درگیر بوده‌اند و حاکمان وقت به منظور عدم ارتباط مردم با آن بزرگوارن شیعیان را سخت در تنگنا قرار می‌دادند. این حساسیت و محدودیت از زمان امامت امام جواد علیه السلام رو به فزونی نهاد. از این رو برای پاسداری از هویت تشیع گسترش «شبهه وکالت» امری ضروری بود. در زمان امام هادی علیه السلام به دلیل این که سازمان وکالت، جایگاه خود را در میان مردم یافته بود متوکل با جذب و گزینش افرادی که بینش ضد علوی داشتند، می‌کوشید تا مخالفان خود را از میان بردارد؛ اما امام هادی علیه السلام با تلاش حساب شده این شبکه را هم چنان فعال و پویا نگه داشت^(۲) و در مراکز شیعه نمایندگان و وکلایی از طرف خود تعیین کرد و مردم را از وجود چنین وکلا و

نمایندگانی باخبر ساخت. حسن بن راشد بغدادی، جعفر بن سهیل، عثمان بن سعید عمری^(۳)، ابراهیم بن محمد همدانی، حسین بن عبد ربه و احمد بن اسحاق رازی از وکیلان آن حضرت به شمار می‌آیند^(۴).

مبارزه با فقهای درباری

یکی از راه‌های عوام‌فریبی خلفای عباسی استفاده از فقیهان درباری بود تا اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کنند و چهره‌ای اسلامی و مقدس‌مآبانه از خود ترسیم نمایند. اما امام هادی علیه السلام در برابر نظریات و عقاید آنان موضع‌گیری می‌کرد و با استاد به آموزه‌های وحیانی محکومشان می‌کرد. مثلاً روزی یک نفر مسیحی را که با زنی مسلمان زنا کرده بود، نزد متوکل آوردند. متوکل خواست

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. تاریخ تحلیلی اسلام، رضی محمد نصیری، ص ۲۵۸.

۳. نک: رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰، ۴۲۰ و ۴۲۹.

۴. نک: رجال کشی، ص ۴۳۰، ۵۰۵، ۵۰۸.

كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ * فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ
 اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللهُ الَّتِي قَدْ
 خَلَقْتُ فِيهَا عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَا لِكُلِّ
 الْكَافِرُونَ (۱)».

و هنگامی که شدت قهر و عذاب ما را با
 چشم دیدند پشیمان شدند و گفتند: به
 خدای یکتا ایمان آوردیم و به همه بت‌هایی
 که شریک خدا قرار داده‌ایم کافر شدیم؛ اما
 ایمانشان هنگام مشاهده عذاب و قدرت ما
 به آنان سودی نبخشید. این سنت خداست
 که در میان بندگان جاری است و کافران در
 چنین شرایطی زیان‌کار شدند.

امام هادی علیه السلام با ذکر این آیه شریفه
 به آنان فهماند: همان‌طور که ایمان
 مشرکان پس از شکست و مغلوب
 شدن، عذاب خدا را از آن‌ها باز
 نداشت، اسلام آوردن این مسیحی نیز
 پس از گرفتاری، حد را از او ساقط
 نمی‌کند (۲).

که حد شرعی را بر او جاری سازد؛ اما
 مرد مسیحی همان لحظه شهادتین گفت
 و مسلمان شد. حکم را به یحیی بن اکثم
 ارجاع دادند. او گفت: به خاطر
 مسلمان شدن، حد بر وی جاری
 نمی‌شود. قضیه مورد اختلاف قرار
 گرفت و هر کدام از فقها به گونه‌ای دیگر
 فتوا صادر کردند. اختلاف نظر فقها
 سبب شد تا متوکل این مسأله را با امام
 هادی علیه السلام در میان بگذارد. امام علیه السلام در
 پاسخ فرمود: «او باید آن قدر شلاق زده
 شود تا بمیرد».

این فتوای امام با انتقاد و مخالفت
 شدید فقهای درباری به ویژه یحیی بن
 اکثم روبه‌رو شد و آنان گفتند که این فتوا
 هیچ‌گونه پشتوانه روایی و قرآنی ندارد.
 از این‌رو از متوکل خواستند که فتوای
 امام علیه السلام را به صورت نوشته و کتبی از
 ایشان بخواهد. متوکل نامه‌ای به امام علیه السلام
 نوشت و آن حضرت در پاسخ این آیات
 را نوشت:

«فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَعُوا

۱. سوره مؤمن: ۸۵-۸۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۰۸.

چشمه جوشان فقاہت

یکی از مهم‌ترین راهبردهای امام هادی علیه السلام جهت ارتباط و تمایل با افراد، پاسخ به سؤالات علمی و شرعی در تمام زمینه‌ها مخصوصاً علم فقه بود که به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

هنگامی که متوکل عباسی مسموم شد، نذر کرد که اگر جان‌ش نجات پیدا کند، اموال زیادی را در راه خدا صدقه دهد. اتفاقاً بهبودی برایش حاصل شد و در مورد مقدار نذر خویش از فقهای عصر استفسار کرد. آنان در مصداق و مقدار «مال کثیر» اختلاف نمودند. یکی از نزدیکان متوکل که در واقع حاجب خلیفه بود گفت: اگر من پاسخ صحیح این مشکل را برای شما بیاورم چه پاداشی به من خواهی داد؟ متوکل گفت: اگر جواب صحیح را بیاوری ده هزار درهم پاداش می‌گیری وگرنه صد تازیانه به تو خواهم زد. حاجب گفت: می‌پذیرم. آن‌گاه نزد امام هادی علیه السلام رفت و از او درباره مقدار مال کثیر سؤال کرد.

امام علیه السلام به او پاسخ داد: هشتاد درهم صدقه دهد. متوکل پرسید به چه دلیل؟ حاجب دوباره نزد امام علیه السلام رفت و علت حکم را جویا شد. امام علی النقی فرمود: چون خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ...»^(۱): خداوند شما را در بسیاری از جاها یاری نمود و بردشمن پیروز گردانید..... و شمار مکان‌هایی که خداوند پیامبرش را یاری داد، هشتاد مکان بود.

حاجب با شنیدن این جواب نزد متوکل آمد و او را از پاسخ امام آگاه ساخت. متوکل نیز از این دلیل قرآنی خوشحال شد و ده هزار درهم به وی داد^(۲).

۱. توبه: ۲۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۶۳-۱۶۲.